

عنوان مقاله:

بررسی اصول و سازوکارهای فقهی مشارکت سیاسی در اسلام

محل انتشار:

دوفصلنامه سیاست نامه مفید، دوره 1، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

سید مرتضی هزاوئی - دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

سیده فاطمه حسینی - دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

خلاصه مقاله:

شناخت و فهم جایگاه مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد در جامعه اسلامی، یکی از حوزه‌های مطالعاتی مهم در بررسی اندیشه سیاسی در اسلام به شمار می‌رود. این شناخت عمدتاً از آنجایی اهمیت می‌یابد، که گفتمان علمی و سیاسی لیبرالیستی غرب، همواره بر تقابل اسلام و مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی به عنوان یکی از نمودهای حاکمیت مردم تأکید می‌کند. بدین ترتیب، پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا فرهنگ سیاسی اسلام و به ویژه فقه سیاسی، تمهیدکننده زمینه‌های تصمیم برای انجام عمل و رفتار سیاسی است یا خود، مانعی در این راستا محسوب می‌گردد؟ و آیا جهت‌گیری فقه سیاسی نسبت به افراد، حالت مشارکت‌جویانه راپیشنهاد می‌دهد یا اهتمام بدان نشان نمی‌دهد؟ یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که بر خلاف تصویری که مدعی است، اسلام و به ویژه مبانی فقهی آن، سازوکارهای جلب مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد جامعه را فراهم نمی‌کند و حتی خود به مثابه مانعی در برابر آن قد علم می‌کند، مبانی عمده فقهی در اسلام، بر پیش‌بینی مکانیسم‌های لازم در این خصوص برای جلب و جذب منطقی مشارکت آنان دلالت دارد. این مبانی هر یک به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم راه را برای ظهور و بروز اشکال مختلفی از مشارکت اجتماعی - سیاسی هموار می‌کند. به این ترتیب این مقاله بر آن است که تا ضمن تأکید بر نسبت نظری - فکری حق و تکلیف، نشان دهد که مشارکت سیاسی - اجتماعی مردم در منطق فکری - فقهی اسلام، نه تنها یک حق است، بلکه یک تکلیف نیز به شمار می‌رود.

کلمات کلیدی:

مشارکت سیاسی، فقه سیاسی، نظام سیاسی، حق، تکلیف، بیعت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1181955>

